

چشم‌انداز تربیت اجتماعی زنان در فرهنگ مهدویت

حسن ملّایی*

چکیده

امروزه حضور زنان در میدان بزرگی به نام جامعه، از جمله مهم‌ترین موضوع‌های مورد توجه و اولویت‌بخش در بسیاری از گزینش‌ها و انتخاب‌ها در مسیر زندگی آنان به شمار می‌رود. در فرهنگ اصیل مهدوی نیز توجه به بعد اجتماعی زنان نه تنها مورد توجه است، بلکه برای این پدیده، با نگاه به آرمان‌های فرد و جامعه در عصر غیبت که از آن به آمادگی و زمینه‌سازی برای ظهور مهدی موعود^{علیه السلام} تلقی می‌شود، تعریف، ضوابط و چارچوب خاصی به لحاظ روح تعالیم اسلامی در نظر گرفته شده است تا تربیت اجتماعی زن بر آن اساس صورت گیرد. این نوشتار، ماهیت و چشم‌انداز تربیت اجتماعی زن از منظر این فرهنگ متعالی را با تکیه بر آموزه‌های مهدوی و به صورت توصیفی _ تحلیلی بررسی می‌کند.

واژگان کلیدی

حضرت مهدی، انتظار، زن، تربیت اجتماعی، زمینه‌سازی ظهور، مهدویت، تربیت مهدوی.

* کارشناس ارشد مهدویت (emam_asr110@yahoo.com).

مقدمه

بر اساس دلایل مختلف نقلی و عقلی که از سوی اندیشه‌ورزان مسائل مهدوی ارائه شده است، پدیده ظهور امام زمان علاوه بر خواست خداوند متعال، نیازمند آمادگی انسان‌ها برای پذیرش حکومت عدل وی است و از این رو باید همگان در ضمن انتظار ظهور مهدی موعود، شاخصه‌هایی را در خود و جامعه خویش که حاکی از لیاقت درک حکومت مهدوی است به وجود آورند. این امر در ادبیات سال‌های اخیر حوزه مهدویت با عناوینی چون انسان منتظر و جامعه منتظر شناخته می‌شود که دانشوران مختلف، در ذیل آن تا حدودی به بررسی صفات گوناگون یک فرد و جامعه منتظر حقیقی پرداخته‌اند.

آنچه در این بین کمتر به آن توجه شده، مسئله تربیت اجتماعی زن منتظر و کیفیت تلاش‌های او در صحنه جامعه و در راستای تسریع در امر ظهور است. توجه نکردن به این مقوله سبب شده تا صرف‌نظر از مواردی محدود، برخی از بانوان در انتظار فعال برای ظهور، تلاشی را از خود نشان ندهند و بیشتر به ابراز احساس عاطفی درباره امام زمان علیه السلام بسنده کنند. برخی دیگر نیز با وجود فهم ضمنی از لزوم تلاش در امر تربیت و اصلاح خود و جامعه، به علت ضعف در شناخت ماهیت و کیفیت حضور و فعالیت‌های اجتماعی، ناخواسته به انجام اموری کم‌فایده و گاه حضوری زیان‌بخش در جامعه، اقدام ورزیده و با کمال تعجب، این رویکرد را صحیح و مورد رضایت حضرت مهدی علیه السلام برشمرند.

رهایی مجموعه زنان منتظر از چنین رویکردی ناآگانه از سویی، و دستیابی به الگوی فعالیت اجتماعی سودمند برای ایجاد جامعه منتظر از سویی دیگر، لزوم دستیابی به شناختی درست از هدف و چشم‌انداز تربیت اجتماعی زن منتظر را اجتناب‌ناپذیر کرده و سزاوار است با مراجعه به آیات و روایات، متونی علمی و مستند برای برنامه‌ریزی و تلاشی از روی بینش و بصیرت سامان یابد.

مفهوم تربیت اجتماعی

«تربیت» واژه‌ای عربی است که گفته شده از ماده «ربو» و از بردن آن به باب تفعیل، ساخته شده و در لغت، به معنای زیادت، فزونی، رشد و برآمدن^۱ است. این واژه در اصطلاح عبارت است از فراهم کردن زمینه‌ها و عوامل به فعلیت رساندن یا شکوفا ساختن استعدادها و شخص در جهت رشد و تکامل اختیاری او به سوی هدف‌های مطلوب و بر اساس برنامه‌های سنجیده شده^۲.

با توجه به ابعاد مختلف وجودی انسان که جامعه‌گرایی یکی از آنها بوده و تأثیر و تأثر انسان و جامعه در جریان تربیت، امری پذیرفته شده است، بخشی از مسائل تربیت به این جهت اختصاص

یافته و از مجموعه آن‌ها، به تربیت اجتماعی تعبیر می‌شود. در حقیقت، تربیت اجتماعی پرورش جنبه یا جنبه‌هایی از شخصیت آدمی است که مربوط به زندگی او در میان جامعه است تا از این طریق به بهترین شکل، حقوق، وظایف و مسئولیت‌های خود را نسبت به دیگر هم‌نوعان، هم‌کیشان و هم‌مسلمان خود بشناسد و آگاهانه و با عشق برای عمل به آن وظایف و مسئولیت‌ها قیام کند.^۲

اهتمام اسلام بر بعد اجتماعی انسان

اگرچه انسان‌های اولیه در ابتدا به مقوله اجتماع با آگاهی برخورد نمی‌کرده‌اند و توجه به آن، تنها در قالب تأمین نیازها و با رهبری عواملی چون محیط و وراثت همراه بوده است، اما اجتماعی بودن نوع انسان، امری مسلم و فطری و نه تنها مورد تأیید و تأکید دین است، بلکه به تصریح قرآن کریم، دین و انبیا عامل اولیه توجه دهنده بشر به زندگی جمعی به صورت آگاهانه بودند.^۴

البته قوانین و ضوابط مربوط به بُعد اجتماعی انسان، در ادیان گذشته بسیار محدود بوده است و به تدریج، جوامع انسانی با نزدیک شدن هرچه به آخرین پیامبر و دین اسلام، کامل‌تر می‌شدند؛ تا جایی که اسلام، همه احکام خود را در قالب اجتماع ریخته و روح اجتماع را در همه این احکام، تا آخرین حد ممکن رسانده است. پیامبر اسلام با آیاتی که بر او نازل می‌شد مردم را به طور دسته‌جمعی و همگانی به سوی یک زندگی سعادت‌مند و پاکیزه فرامی‌خواند. قرآن، دعوت خود را به دو صورت اعلام کرده است: 1. دعوت به اصل اجتماع و اتحاد؛ 2. دستور ساختن اجتماعی اسلامی بر مبنای اتفاق و اتحاد و به هم پیوستگی در مسیر حفظ و حراست منافع و مزایای معنوی و مادی و دفاع از آن اجتماع.^۵ بنابراین، میل به اجتماعی بودن در نوع انسان، میلی طبیعی است که باید به صورت صحیح، مهندسی و جهت داده شود و از جمله رسالت‌های آیین اسلام همین امر بوده است و بسیاری از دستورها و آموزه‌های خود همچون ولایت‌پذیری، نماز جماعت، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، وحدت و نظایر آن، نمونه‌ای از اهتمام اسلام به این موضوع است. با این توضیح، اصل حضور اجتماعی زن، نه تنها مورد تأیید اسلام بوده و هست، بلکه در مواردی _ که تفصیل آن در ادامه خواهد آمد _ مورد تأکید اسلام واقع شده است، اما چگونگی این حضور در مواردی، به دلیل ویژگی‌های جسمی و روحی زن، با مرد متفاوت بوده و همین تفاوت‌ها باعث شده آیین نورانی اسلام از طرفی برای حفظ امنیت و کرامت بانوان و از طرفی دیگر به منظور بهره‌وری جامعه از ظرفیت‌ها و شایستگی‌های آنان، غیر از قوانین عمومی _ که مردان نیز نسبت به رعایت آن مکلفند _ ضوابطی ویژه برای حضور اجتماعی زنان قرار دهد. بدیهی است زندگی مؤمنانه، به صرف جواز دینی فعالیت‌های اجتماعی، اجازه ورود

بی‌قید و شرط را نخواهد داد و برای یک زن منتظر نیز معرفت و تبعیت از الگوی پیشنهادی اسلام که پشتوانه فرهنگ امام زمانی و حکومت عدل مهدوی است، ضروری می‌نماید.

اسلام و ضرورت حضور اجتماعی زن

هر انسان منصف با مطالعه دقیق و کامل آموزه‌های اسلام، درمی‌یابد که اسلام به خاطر ماهیت انسان و بعد اجتماعی او، نه تنها با فعالیت‌های اجتماعی افراد _ اعم از زن و مرد _ موافق است و از کناره‌گیری فرد از جامعه نهی می‌کند، بلکه برای رشد و کمال شخص و جوامع انسانی، مهم‌ترین برنامه‌ها و دستورات خود را بر محور اجتماع قرار داده و ارتباط سازنده با افراد را راه دستیابی به قله کمال و برتری معرفی کرده است. امام صادق علیه السلام فرمود:

صالح‌ترین مردم، مصلح‌ترین و خیرخواه‌ترین آن‌هاست و بهترین مردم کسی است که مردم از وی بهره‌مند گردند.^۶

برای درک اهمیت این مطلب، کافی است به مقوله ولایت معصومین برای رهبری جامعه اسلامی به عنوان برجسته‌ترین موضوع اجتماعی توجه شود، تا جایی که این امر در آخرین آیات نازل شده بر صاحب شریعت _ حضرت محمد صلی الله علیه و آله _ به عنوان تکمیل‌گر دین و تمام‌کننده نعمت پروردگار معرفی شده است:

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾.^۷

معصومین علیهم السلام نیز در احادیث خود بر نقش بی‌نظیر امامت آنان در سعادت اجتماع مسلمانان تأکید دارند.

برای پی بردن به عمق این سخن، باید به نقش جامعه و تأثیر آن در سعادت و شقاوت فرد توجه بیشتری کنیم؛ زیرا بنابر تجربه، روشن است که تأثیر محیط زندگی و اجتماع بر باور و اندیشه افراد، به قدری است که برخی متفکران غرب اساساً ماهیت انسان را جز آن‌چه جامعه به آن‌ها تزریق می‌کند نمی‌دانند و برای جنبه شخصی انسان‌ها ارزشی قائل نیستند. گرچه این نظر افراطی از دیدگاه اسلام مطرود است و قرآن کریم با آوردن مثال‌هایی چون حضرت ابراهیم علیه السلام، اصحاب کهف و حضرت آسیه علیها السلام آن را مردود می‌داند، اما این اثرگذاری اجمالی را تأیید نموده و جایگاه حاکم جامعه را در این جهت پررنگ‌تر معرفی کرده است، به گونه‌ای که امیر المؤمنین علیه السلام در این باره فرمود:

النَّاسُ بِأَمْرَاتِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ؛^۸

مردم به امیران خود شبیه‌ترند تا پدران خویش

بنابراین تفکرات حاکم جامعه، بر فرهنگ، اندیشه‌ها و باورهای مردم خود نیز مؤثر است. حال که جایگاه و نقش والی و زمامدار جامعه روشن شد، می‌توان این کلام امام رضا علیه السلام را بهتر درک نمود که فرمود:

اگر خداوند برای مردم، امام و قیّم و امین و حافظ معین نکند، ملت و دین از بین می‌رود و سخن و احکام تغییر می‌کند؛ مبدعان در دین زیاد و کم کرده و ملحدان در آن تصرف خواهند کرد و در جامعه اسلامی ایجاد شبهه خواهند نمود.^۹

بنابراین باید دانست که از منظر اسلام، برای پرورش و تربیت انسان نمی‌توان تنها به جنبه‌های فردی او توجه کرد و از واقعیت‌های جامعه و فرهنگ و نظام و سیاست مسلط بر آن غافل شد و خود را کنار کشید و به رشد تک‌بعدی او در جنبه فردی دل خوش کرد؛ زیرا دین عامل هدایت است و هدایت دو رکن دارد: ۱. تربیت، ۲. سیاست. تربیت، خط دادن به انسان است. سیاست نیز نظارت بر حرکت انسان در خط و زندگی و فرصتی است که برای حرکت به انسان داده‌اند. این فرصت مرکب از دو جریان جدایی‌ناپذیر است: ۱. جریان حیات فردی، ۲. جریان حرکت اجتماعی. چون چنین است، اسلام به هر دو جریان توجه عمیق کرده تا هیچ‌یک دچار تباهی، فساد و انحطاط نگردد؛ زیرا اگر هر یک دچار تباهی گردد، دیگری را نیز به فساد و انحطاط خواهد کشید. از این‌روست که اسلام برای تصحیح حیات فردی، به امر تربیت، و به منظور تصحیح حیات اجتماعی به امر سیاست می‌پردازد و در این زمینه هم فرد و هم اجتماع را زیر دو پوشش حفظ کننده قرار می‌دهد؛ فرد را به عنوان فرد، زیر پوشش تربیت اسلامی و به عنوان عضوی از اجتماع، زیر پوشش سیاست اسلامی قرار می‌دهد. جامعه را نیز به عنوان جامعه، زیر پوشش سیاست اسلامی و به عنوان افراد، زیر پوشش تربیت اسلامی می‌برد.^{۱۰}

با تبیینی که گذشت، وضعیت حضور اجتماعی زن منتظر، آن هم نه برای تفریح یا امری مستحبی، که به عنوان یک تکلیف در مقابل جامعه و امام بر حق جامعه واضح می‌شود؛ زیرا اگر بانوی خداآوری حق دارد در جامعه زندگی کند و دین‌داری او آسیبی ندیده و با گوهر ایمان از دنیا برود، در برابر چنین حقی، وظایفی نیز نسبت به جامعه دارد که مهم‌ترین آن‌ها در برابر امام جامعه است. امام سجاد علیه السلام در رساله معروف «حقوق» خود چنین می‌فرماید:

سپس دایره حق از تو به دیگران رسد که بر تو حق واجب دارند و واجب‌ترین همه این حقوق بر تو، حق امامان توست.^{۱۱}

امیرالمؤمنین علیه السلام نیز در تشریح این حق فرمود:

اما حق من بر شما این است که به بیعت با من وفادار باشید و در آشکار و نهان برایم خیرخواهی کنید؛ هر گاه شما را فراخواندم اجابت نمایید و [هرگاه] فرمان دادم اطاعت کنید.^{۱۲}

از این رو همه اقشار جامعه و از جمله زنان، موظف به بیعت با امام و رعایت حقوق وی هستند، چنان که این امر بارها در تاریخ اسلام و از جمله در جریان صلح حدیبیه صورت گرفت.^{۱۳} بنابراین از جمله مسئولیت‌های یک زن منتظر آن است که برای استقرار امام حق و تقویت فعالیت او، با باور و بیان و عمل، از وی حمایت و پشتیبانی کند که همانا حقیقت دین‌داری نیز جز این نیست؛ زیرا در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چنین نقل شده است:

الدِّينُ نَصِيحَةٌ. قِيلَ: لِمَنْ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِأَيِّمَةِ الدِّينِ وَ لِجَمَاعَةِ الْمُسْلِمِينَ.^{۱۴}

ترسیمی از وظایف اجتماعی زن در عصر غیبت امام عصر علیه السلام

اکنون پرسش مهم آن است که در زمان حضور امام عصر علیه السلام در پس پرده غیبت، چه باید کرد و آیا اصلاً زنان منتظر نسبت به جامعه اسلامی و امام غایب آن، وظیفه‌ای دارند یا نه؟ در صورت پاسخ مثبت به این پرسش، باید ساز و کار تربیت اجتماعی بانوان با توجه به ایجاد و تقویت انجام این وظایف سامان یابد.

در پاسخ باید گفت گرچه به گزارش رسول اعظم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و امامان بزرگوار شیعه علیهم السلام امور بشر جز با تشکیل حکومت واحد جهانی به وسیله مردی آسمانی از ذریه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و فرزندش امام حسین علیه السلام سامان نخواهد پذیرفت و ظلم فراگیر ظالمان، جز با عدالت قائم آل محمد علیهم السلام فرو نخواهد ریخت، اما باید دانست که این امر با خواست و پذیرش عموم مردم محقق خواهد شد، نه با محوریت معجزه؛ زیرا اگر بنا بر این بود، شخص رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با استفاده از معجزات، تمام دنیا را فتح می‌کرد و حکومت اسلام را بر سراسر عالم چیره می‌نمود و نیازی به رنج‌ها و مصیبت‌ها و شهادت وی و دیگر معصومین علیهم السلام نبود. آری، در قیام حضرت مهدی علیه السلام معجزه تنها برای اتمام حجت بر مردم و بشارت به مؤمنان و مجازات معاندان، به میزانی محدود صورت قرار خواهد گرفت، چنان که در سیره حضرت

رسول ﷺ نیز چنین بود و صد البته که رویداد ظهور و همهٔ موفقیت‌های حکومت مهدوی در نهایت به اذن و ارادهٔ خداوند متعال خواهد بود.^{۱۵}

موضوع ظهور و میزان مشارکت نیروی انسانی در قیام قائم آل محمد ﷺ در زمان معصومین نیز مورد سؤال بوده و آنان در رفع گمان برخی که تصور کرده بودند استقرار حکومت جهانی مهدوی با معجزه و بدون جنگ و خون ریزی خواهد بود، جملات کارگشایی ایراد کردند؛ از جمله آن که امام رضا ﷺ در مجلسی که در آن ذکر امام قائم به میان آمد، به اصحاب خود فرمود: «شما امروز راحت‌تر از هنگام ظهور قائم هستید.» دلیل این گفتار را از امام پرسیدند، فرمود: «در آن روز [شیعیان] در زحمت و مشقت خواهند بود و باید همواره بر زین اسبان سوار شوند و جهاد کنند.»^{۱۶} با این بیان، برای فراهم کردن زمینه‌های انسانی ظهور این منجی عالم بشریت به منظور خاتمه یافتن نارسایی‌های همهٔ جوامع انسانی و اسلامی توسط امام قائم ﷺ برای همیشه، ایجاد جامعه‌ای صالح و آماده برای نصرت آن حضرت، یکی از ضروریات این آرمان به شمار می‌رود که اهتمام به آن، تکلیف همه مسلمانان است و البته وجود نیروهای انسانی کارآمد، از جمله لوازم آمادگی برای ظهور محسوب می‌شود.

روشن است که این وظیفه، شامل بانوان به عنوان مربیان اصلی منابع انسانی جامعهٔ اسلامی و تربیت سربازان امام زمان ﷺ نیز خواهد بود و همان‌گونه که آن‌ها در عصر ظهور حضرت ولی عصر ﷺ نقش مؤثری ایفا می‌کنند و بنابر تعبیر برخی از احادیث، حدود پنجاه زن از یاران اصلی امام به همراه 313 تن خواهند بود^{۱۷} و هستهٔ مرکزی قیام را تشکیل می‌دهند، در عصر غیبت نیز _ چه در حوزهٔ فردی و چه در حوزهٔ اجتماعی _ مسئولیت‌های سنگینی بر عهده دارند. امام خمینی ﷺ دربارهٔ مسئولیت سنگین زنان نسبت به جامعهٔ عصر غیبت و تربیت نیروهای کارآمد می‌فرماید:

صلاح و فساد یک جامعه از صلاح و فساد زنان در آن جامعه سرچشمه می‌گیرد. زن، یکتا موجودی است که می‌تواند از دامن خود افرادی به جامعه تحویل دهد که از برکاتشان یک جامعه، بلکه جامعه‌ها به استقامت و ارزش‌های والای انسانی کشیده شوند و می‌تواند به‌عکس آن باشد.^{۱۸}

همچنین بانوان منتظر امام زمان ﷺ باید نسبت به مشکلاتی که جامعهٔ اسلامی با آن درگیر است آشنا شوند و برای رفع آن تلاش کنند؛ چرا که آنان عضوی از اعضای جامعه هستند و در برابر آن مسئولند. مقام معظم رهبری می‌فرماید:

این که [رسول اکرم] می‌فرماید: «مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ»^{۱۹} مخصوص مردان نیست. زنان هم باید نسبت به امور مسلمانان و جامعه اسلامی و امور جهان اسلام و همه مسائلی که در دنیا می‌گذرد، احساس مسئولیت کنند و اهتمام نمایند؛ چون وظیفه اسلامی است.^{۲۰}

روشن است که ریشه اصلی بسیاری از گرفتاری‌های ما معلول غیبت امام زمان علیه السلام است که به دلیل عملکرد اشتباه و کوتاهی ما در حمایت از امام و ولی خدا به وجود آمده است. از این رو تلاش برای پذیرش ولایت و تبعیت از امام عصر علیه السلام زمینه‌ساز ظهور و حل مشکلات به وسیله آن امام همام خواهد بود که بهترین این تلاش‌ها رساندن معارف ناب اهل بیت علیهم السلام به مردم و آشنا نمودن آن‌ها با مقام امامت و برکات امام معصوم است و مسلماً چنین کسی مورد توجه حضرت حق قرار خواهد گرفت. امروزه که انواع وسایل ارتباط جمعی مثل مجلات، اینترنت، رادیو، تلویزیون و... وجود دارد، زنان منتظر می‌توانند _ افزون بر تعلیم معارف مهدوی به همسر و فرزندان خویش _ با قلم و بیانی شیوا این معارف را در سراسر کشور و بلکه در صورت آشنایی با زبان‌های خارجی، در تمام دنیا منتشر نمایند و ذهن‌ها و دل‌ها را به آن امام غایب غریب متوجه سازند. این مطلب همان نکته مهمی است که چشم‌انداز تربیت اجتماعی بانوان را با توجه به آن می‌توان ترسیم کرد.

ماهیت حضور اجتماعی زن منتظر

بر مبنای آن چه گفته شد، اگر لازمه حتمی انتظار فرج و ظهور مهدی موعود علیه السلام تلاشی پویا برای فراهم کردن زمینه‌های مردمی قیام حضرت حجت باشد، فعالیت‌های اجتماعی زنان منتظر، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌آید؛ اما از آن جا که امروزه شاهد شیوع برداشت‌ها و قرائت‌های غربی و غیر اسلامی از مقوله اجتماعی بودن زنان در فرهنگ خویش هستیم، با تبیین ماهیت حضور اجتماعی زن منتظر از دیدگاه اسلام _ که مبنای فرهنگ مهدوی است _ ناگزیریم از برخی حرکت‌ها و فعالیت‌های ناصواب بانوان منتظر امام زمان علیه السلام که به نام فعالیت‌های اجتماعی صورت می‌گیرد، جلوگیری کنیم؛ زیرا تنها در این صورت است که انتظار حقیقی درباره زنان محقق خواهد شد. نکته بسیار مهم در این راستا آن است که ماهیت اشتغال و فعالیت اجتماعی بانوان منتظر باید بر اساس اصول کلی مورد نظر اسلام در این موضوع بررسی شود که به طور اجمال، عبارتند از:

الف) کرامت ذاتی بانوان؛

ب) ویژگی‌های خاص جسمی و روحی زنان؛

ج) تقدم ارزش‌های معنوی بر مادی؛

د) تشکیل و حفظ خانواده؛

ه) تولید و تربیت فرزند؛

و) رعایت محرم و نامحرم

ز) اطاعت و دفاع از رهبر عادل فقیه و حکومت اسلامی.

همچنین برای برداشت درست از مفهوم حضور اجتماعی بانوان در فرهنگ مهدویت، لازم است به ارکان «اجتماعی بودن» توجه شود که عبارتند از «خود، دیگری و ارتباط». مسئله بسیار تعیین کننده در درک معنای صحیح و مقبول از اجتماعی بودن، توجه به این نکته کلیدی است که باید ضمن در نظر گرفتن اصول مذکور به هر سه رکن این مفهوم، به صورت متوازن و متعادل بنگریم و سهم هر یک را با پرهیز از هرگونه افراط و تفریط به آنان عودت دهیم. این مهم، خود از جمله رسالت‌های جامع اسلام به عنوان دین حق به شمار می‌رود و این آیین متعالی با تفسیر خود از مقوله «اجتماعی بودن»، درصدد تفهیم و آموزش ضوابط آن در راستای تربیت اجتماعی زنان است. بدیهی است توجه نکردن به نگاه متوازن به ارکان سه‌گانه اجتماعی بودن زن، سبب می‌شود به جای این‌که دیگران از مزایا و فواید آن بهره‌مند گردند، هم بر یکایک زنان و هم بر جامعه اسلامی، آثاری مخرب و زیان‌بار عارض شود؛ چنان‌که در روایات آخرالزمانی مذکور در ادامه نوشتار، به این معضلات تصریح شده است.

فعالیت اجتماعی زن با محوریت «خود»

نخستین رکنی که باید در تربیت و تبیین اجتماعی بودن زن منتظر به آن توجه شود، محور «خود» است؛ زیرا اگر در فعالیت اجتماعی بانوان، به مؤلفه «خود» به اندازه صحیح و بر اساس اصول کلی اسلام، پرداخته شود، این فعالیت‌ها مبارک و پرفایده خواهد بود؛ اما توجه کمتر یا بیشتر از حد و شأن آن، عزلت و گوشه‌گیری زن یا تکبر و تلاش وی برای تسلط و چیرگی بر دیگران و به منظور بهره‌کشی از آن‌ها به نفع خویش را در پی دارد. مکتب زن‌سالاری یا «فمینیسم» _ که در گفتمان‌های روشنفکرانه چند ساله اخیر به چشم می‌خورد _ نوعی افراط در همین راستاست که در آن، زنان تشویق می‌شوند که ضمن نادیده انگاشتن ظرفیت وجودی خویش، برای رسیدن به منافع خود، قدرت را در جامعه به دست گرفته و از آن _ و لو به قیمت پایمال شدن حقوق دیگران _ بهره‌گیرند.

امامان عظیم الشان شیعه علیهم السلام در احادیث مربوط به آسیب‌های آخرازمان و دوران غیبت به این افراط‌گرایی اشاره کرده‌اند. در روایتی از امیرالمومنین علی علیه السلام از این آسیب به سبب شدت طمع و حرص زنان آخرازمان سخن به میان آمده است. ایشان فرموده است:

زنان به سبب حرص به دنیا با مردانشان در کار تجارت شرکت می‌کنند.^{۲۱}

اما کار به همین جا ختم نمی‌شود؛ چرا که برخی از زنان در عصر غیبت، پا را از مشارکت با همسر فراتر گذاشته و به حکومت بر شوهران می‌اندیشند و بنابر روایتی دیگر، زن بر مرد خود مسلط می‌شود و کاری که مرد نمی‌خواهد انجام می‌دهد و به شوهر خود خرجی می‌دهد^{۲۲} و آن‌ها نه تنها حاکم بر شوهر، بلکه در تفکر حکومت بر جامعه هستند؛ چنان‌که در روایتی دیگر می‌خوانیم:

زن‌ها بر حکومت غالب می‌شوند و هر کاری را قبضه می‌کنند و کاری پیش نمی‌رود جز آن‌چه طبق دلخواه آنان باشد.^{۲۳}

بر اساس احادیث معصومین علیهم السلام افراط به مقوله «خود» در زنان آخرازمان و نادیده گرفتن کرامتشان، کار به آن‌جا می‌رسد که تعداد درخور توجهی از آنان به بهانه حفظ استقلال خود، بر فطرت خویش پای می‌گذارند و به جای ازدواج با مرد و ارضای صحیح میل جنسی، به زنان دیگر روی می‌آورند.^{۲۴}

مصادق بارز دیگر در این مسئله را می‌توان در خودآرایی و جلوه‌گری زنان مشاهده کرد که اگر حدود این تمایل درونی بانوان در روابط اجتماعی به خوبی ترسیم نشود، آثار ویران‌گر آن در جامعه بسیار خواهد بود؛ چنان‌که در تعیین حدود آن باید به گونه‌ای عمل شود که این میل به درستی تأمین شود و سرکوب نگردد. این خطر نیز از نظر بلند امامان معصوم علیهم السلام دور نبوده و زنان آخرازمان را از آن برحذر داشته و بی‌عفتی و خودفروشی زنان را گوشزد کرده‌اند. در بخشی از سخن امام صادق علیه السلام در وصف اوضاع آشفته آخرازمان آمده است:

زمانی که دیدی معیشت زن از راه روابط جنسی است... و زنان به خاطر زنا مدح می‌شوند و... مرد از درآمد زنش که از راه گناه جنسی بوده، استفاده می‌کند... و دیدی زنان به کافران، خودفروشی می‌کنند...^{۲۵}

آن‌چه بیان شد، تنها بخشی از آسیب‌های فعالیت اجتماعی زنان در عصر غیبت، طبق گزارش معصومین علیهم السلام است. اما نگاهی به آموزه‌های ناب اسلام و مهدویت _ که به هر دو بُعد تکریم خود و

رشد اجتماعی توجه کرده _ حاکی از نگاه جامع این دین مقدس به مسئله فوق است که با نام «حیا» و «عفت» بیان شده است؛ به گونه‌ای که در دعای منسوب به حضرت مهدی علیه السلام چنین می‌خوانیم:

اللهم تفضل... على النساء بالحياء والعفة؛^{۲۶}

پروردگارا، به بانوان ما حیا و عفت عطا فرما.

بنابراین، اسلام هیچ‌گاه با مقوله اجتماعی بودن زن با محوریت افراطی به «خود» و به معنای آمادگی و تن دادن آزاد و بی‌منطق زن برای کنترل بهتر و مفیدتر دیگران موافق نیست، بلکه توجه به «خود» در فعایت‌های اجتماعی را تنها در چارچوب ضوابط شرع و عقل می‌پسندد.

از سویی دیگر نیز معصومین علیهم السلام به جنبه تفریطی آن نیز هشدار داده و بارها با عباراتی چون «لَا رَهْبَانِيَّةَ فِي الْإِسْلَام»^{۲۷} _ که از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است _ از گوشه‌گیری و بی‌اطلاعی از وضعیت جامعه و مسئولیت‌شناسی نسبت به آن نهی فرموده‌اند.

چنان‌که گفته شد، باید دانست ازدواج و تشکیل خانواده برای پرورش نیروهای متعهد و کارآمد در اجتماع نمونه کاملی از فعالیت و حضور اجتماعی به شمار می‌رود، اما در تاریخ اسلام، همواره زنانی بوده‌اند که به سبب کج‌فهمی و جهل به معارف دینی، تنهایی، انزوایی و تشکیل خانواده ندادن را امری مورد پسند شریعت دانسته و بدین‌گونه از انجام مسئولیت خود نسبت به جامعه اسلامی سر باز زده‌اند، در حالی که این چنین برداشتی مورد انتقاد پیشوایان ما بوده و هست. از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام روایت شده است:

زنی در مقام سؤال به امام باقر علیه السلام عرض کرد: من «متبتله» هستم. حضرت پرسید: مقصودت از تبتل چیست؟ پاسخ داد: تصمیم دارم هرگز ازدواج نکنم. فرمود: برای چه؟ گفت: برای نیل به فضیلت و کمال. حضرت فرمود: از این تصمیم منصرف شو؛ اگر خودداری از ازدواج، فضیلتی در پی داشت، حضرت زهرا علیها السلام به درک این فضیلت از تو شایسته‌تر بود؛ [زیرا] چنین نیست که احدی در فضیلت بر وی پیشی گیرد.^{۲۸}

بنابراین باید زنان منتظر هر گونه تعامل با جامعه را بر مبنای معرفت صحیح نسبت به آموزه‌های دینی داشته باشند.

ظهور و بروز دیگری از رویکرد افراط‌گرایانه برخی زنان به مقوله «خود» را می‌توان در فخرفروشی به فرومایگان و ضعیفان و دوری جستن از کسانی دانست که تنها مشکلمان، نداشتن امکانات مالی است. این در حالی است که سیره معصومین علیهم السلام بر خلاف آن بوده است.

جایگاه تقیه در حضور اجتماعی

نکته‌ای که در زمینه فعالیت‌های اجتماعی زنان و مردان همواره مطرح بوده، چیستی «تقیه» و جایگاه آن در عصر غیبت است؛ چرا که بنابر فرمایش امام رضا علیه السلام:

کسی که تقیه نمی‌کند ایمان ندارد و همانا گرامی‌ترین شما در نزد پروردگار آن کس است که تقوایش بیشتر باشد و تقیه را مورد عمل قرار دهد. به حضرت عرض کردند: ای پسر رسول خدا، تا چه زمانی باید تقیه کرد؟ فرمود: تا روز قیام حضرت قائم علیه السلام و هر کس پیش از خروج قائم ما تقیه را ترک کند از ما نخواهد بود.^{۲۹}

این حدیث شریف و امثال آن باعث شده برخی از مردان و زنان مؤمن ولی ناآگاه، با تصور نادرست از آن، از فعالیت‌ها و مسئولیت‌های اجتماعی خویش دست کشیده و آن را عملی مطابق شرع به شمار نیاورند، در حالی که اگر به سخنان پیشوایان معصوم درباره تقیه توجه کنیم، درمی‌یابیم تقیه یکی از شگردهای مبارزه و جهاد است نه سکون و بی‌مسئولیتی؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام فرمود:

مؤمن مجاهد است؛ زیرا با دشمنان خدا مبارزه می‌کند، در دولت باطل و به هنگام تسلط آن با تقیه و در هنگام تسلط حق و دولت حق با شمشیر می‌جنگد.^{۳۰}

حضرت آیت الله خامنه‌ای نیز با وجود مهم دانستن تقیه در قبل و بعد از انقلاب اسلامی، در تبیین آن فرمود:

وقتی از تقیه صحبت می‌کنیم، ممکن است بگویید تقیه متعلق به آن زمانی بود که دولت مسلطی بر سر کار بود و ما هم مخفی بودیم و از ترس او چیزی نمی‌گفتیم. نه، همان وقت هم تقیه مسئله ترس نبود. «التَّقِيَةُ تُرْسُ الْمُؤْمِنِ؛^{۳۱} تقیه سپر مؤمن است.» سپر را کجا به کار می‌برند؟ سپر در میدان جنگ مورد استفاده قرار می‌گیرد و به هنگام درگیری به کار می‌آید. پس، تقیه در زمینه درگیری است؛ چون ترس و حرز و سنگر و سپر است. همان وقت هم این‌گونه بود. وقتی تقیه می‌کردیم، معنایش این بود که ضربه شمشیر را بر پیکر نحس دشمن وارد می‌کردیم؛ اما طوری که او نه شمشیر و نه دستی که شمشیر را گرفته و نه بلند کردن و نه فرود آمدن آن را ببیند و بفهمد، بلکه فقط دردش را احساس کند. تقیه، این بود.^{۳۲}

خلاصه آن‌که همه بانوانی که سودای مفتخر شدن به مقام انتظار مهدی موعود را در سر می‌پرورانند، باید بدانند که «تقیه سِرِّداری و پنهان‌کاری است نه بی‌کاری و بی‌دردی»^{۳۳} و هیچ زن و مرد مؤمنی نمی‌تواند با سوء برداشت از واژه تقیه، از انجام وظایف اجتماعی خود در عصر غیبت، شانه خالی کند.

فعالیت اجتماعی با محوریت «دیگری»

تصور اشتباه دیگری که ممکن است در مسیر تربیت زن از مفهوم اجتماعی بودن در ذهن بانوان شکل گیرد، توجه بیش از حد به مؤلفه «دیگری» و «جمع» است؛ چرا که در این صورت، رکن دیگر اجتماعی بودن، یعنی «خود» و شخصیت او تحت شعاع «جمع» قرار گرفته و به فراموشی سپرده می‌شود. در این حالت، وی تابعی از محیط شده و - هرچند که اشتباه باشد - تلاش می‌کند خود را هر چه بیشتر با اجتماع و فرهنگ و رسوم آن مطابقت دهد. در چنین حالتی زن، شخصیت مستقل خود را از دست خواهد داد و در عوض تأثیرگذاری مفید بر جامعه، به عنوان ابزاری در خدمت اجتماع و حکمرانان آن - هرچند فاسد باشند - قرار خواهد گرفت؛ امری که در چگونگی حضور زنان غربی در جوامع کاملاً هویداست. بدین گونه و با چنین منطقی، بانوان به موجوداتی بی‌شخصیت و بی‌اراده تبدیل خواهند شد که نمی‌توانند تأثیر مفیدی بر جامعه بگذارند، بلکه تنها به صورت منفعلانه از جامعه متأثر می‌شوند.

اُئمه معصومین علیهم‌السلام در احادیث آخرالزمانی، افزون بر آن که اوضاع عمومی اجتماعات انسانی نزدیک به ظهور را نابسامان برشمرده‌اند، آسیب مذکور نیز به صورتی ویژه و همانند آفت پیشین، مورد توجه و هشدار قرار گرفته است.

محمد بن مسلم از امام باقر علیه‌السلام پرسید: ای پسر رسول خدا، قائم شما چه زمانی خروج خواهد کرد؟ حضرت باقر علیه‌السلام در ضمن پاسخ خود، به موارد متعددی اشاره می‌کند و از آن جمله می‌فرماید: «هنگامی که مردان، خود را به زنان و زنان، خود را به مردها شبیه کنند.»^{۳۴} چنین است که برخی از بانوان برای جلب نظر آحاد جامعه - هرچند ناحق باشد - مصالح حقیقی را نادیده می‌گیرند و تنها در پی تأمین توقع اجتماع از خود هستند.

نگرش قرآنی به عنوان رکن بی‌بدیل فرهنگ مهدویت برای حفظ تعادل زنان در این زمینه، آن است که ضمن توجه و دلسوزی نسبت به دیگران و احیاناً کمک مادی و معنوی به آنها، باید مراقب بود که کرامت و کمال انسان از وی سلب نشود، به گونه‌ای که حتی با قصد فعالیت مثبت و اصلاح جامعه آلوده به ناپاکی و گمراهی، سلامت و هدایت فرد مقدم خواهد بود. قرآن کریم می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْتُسَكُمُ لَا يَضُرُّكُمْ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ﴾^{۳۵}

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خودتان بپردازید. هر گاه شما هدایت یافتید، آن کس که گمراه شده است به شما زیانی نمی‌رساند.

نمونه بارز چنین زانی در قرآن کریم، حضرت آسیه _ همسر فرعون _ است که با وجود داشتن انواع امکانات رفاهی و وجاهت اجتماعی، از مسیر حقیقت و عبودیت خارج نشد و راه همسرش را نپیمود و درست بر عکس او، همسران حضرت نوح و لوط علیهم السلام که از محضر قدسی شوهران خویش طرفه‌ای نیستند و هم‌نوا با جریان فاسد جامعه خود شدند.

انگاره مهمی که باید در تعامل با اجتماع و ارتباط با دیگران مورد توجه باشد، آن است که گرچه عنصر عاطفه و حس دیگرخواهی در این روابط نقش اصلی را بازی می‌کند، اما این بُعد انسان تنها در صورتی موجب رشد و تعالی او می‌شود که به گونه‌ای صحیح تربیت یابد. بنابراین عواطف نیز مانند تعقل و تفکر باید در جهتی درست و انسانی قرار گیرد و چنان که مغز باید با اندیشه‌های درست و انسانی پرورش داده شود، دل نیز باید از محبت‌ها و عشق‌هایی راستین سرشار گردد و از هر گرایش و دلباختگی نادرست برکنار ماند. از این رو چنان که محبت، زیبا و دوست‌داشتنی است، گاهی دوست نداشتن، همچون دوستی نکردن با دشمنان انسان‌ها و ستیزه‌گران با حق و حقیقت و پایمال‌کنندگان حقوق محرومان و مظلومان نیز مقدس و ارزشمند است و این دوستی نکردن، نمایان‌گر عاطفه انسانی و دوستی همدردانه است.^{۳۶}

جهت صحیح این احساسات و عواطف در ادبیات معصومین علیهم السلام به «الحب فی الله و البغض فی الله» معروف شده و مؤمنان حقیقی کسانی هستند که در عین گرایش به دیگران و دوستی با آنها، به خدا محبت بیشتری دارند^{۳۷} و خداوند محور اصلی دوستی و دشمنی آنهاست. از این رو قرآن کریم در خطابی هشدارگونه به کسانی که با ادعای ایمان، به لوازم آن _ که برتری دادن عشق خدا بر غیر اوست _ پایبند نیستند می‌فرماید:

بگو اگر پدران و پسران و برادران و زنان و خاندان شما و اموالی که گرد آورده‌اید و تجارتی که از کسادهای بیمناکید و سراهایی را که خوش می‌دارید، نزد شما از خدا و پیامبرش و جهاد در راه وی دوست‌داشتنی‌تر است، پس منتظر باشید تا خدا فرمانش را [به اجرا در آورد و خداوند گروه فاسقان را راهنمایی نمی‌کند].^{۳۸}

بنابراین چگونه می‌توان توقع داشت این‌گونه افراد هنگامی که امر ظهور فرا برسد و قائم آل محمد علیهم السلام برای اجرای امر خدا قیام کند، توفیق نصرت را داشته باشند؟
منتظران امام زمان علیه السلام کسانی هستند که در عصر غیبت، ایمان خود را تثبیت کرده و به کمال رسانده‌اند. امام رضا علیه السلام از پدرانش نقل می‌کند که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

جز افراد مخلص که روح یقین در کالبد آن‌ها جای دارد، [در عصر غیبت] در عقیده خود ثابت نخواهند ماند و اینان هم افرادی هستند که خداوند میثاق ولایت ما را از آنان گرفته و ایمان را در دل‌هایشان تثبیت نموده و آنان را به واسطه روحی از جانب خود تأیید کرده است.^{۳۹}

اما باید دانست که بر اساس روایت علوی، تکمیل ایمان به جهت‌دار کردن حب و بغض‌ها بر محور خدا خواهد بود. امیر المؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَكْمَلَ إِيمَانَهُ فَلْيَكُنْ حُبَّهُ لِلَّهِ وَبُغْضُهُ وَرِضَاهُ وَسَخَطُهُ لِلَّهِ.^{۴۰}

به راستی چگونه ممکن است با ابراز محبت و دلبستگی به فاسقان و عصیان‌گران و الگو قرار دادن آن‌ها در جلوه‌های مختلف زندگی، شوق انتظار مهدی موعود علیه السلام را داشت؟

فعالیت اجتماعی با محوریت «ارتباط»

سومین آفتی که جریان اجتماعی بودن زنان و در نتیجه تربیت اجتماعی آنان را تهدید می‌کند، توجه بیش از اندازه به مؤلفه «ارتباط» است، به گونه‌ای که در صورت چنین رخدادی، بانوان از عدم حضور فیزیکی در جمع و ارتباط با دیگران، احساس وحشت و تنهایی می‌کنند و موجودیت خود را در ارتباط با دیگران می‌بینند. در حقیقت باید اذعان داشت که «بودن» برای چنین زنانی، وجود داشتن، به معنای «مرتبط بودن» است.

برای جلوگیری از افتادن در دام چنین تصور اشتباهی باید در نسبت میان خود و دیگری، اتکای تکوینی و وجودی، از هم تفکیک شوند. اتکای تکوینی یعنی پیدایش مفهوم «خود» در گرو آن است که فرد در ارتباط با دیگری قرار داشته باشد؛ اما این به آن معنا نیست که استقلال وجودی میان خود و دیگری برقرار نباشد. هنگامی که این اتکا به نحو وجودی در نظر گرفته شود، نه تنها پیدایش مفهوم «خود» در گرو ارتباط است، بلکه اصولاً هویت «خود»، در این ارتباط مستحیل خواهد بود. برای حفظ هر سه وجه مفهوم اجتماعی بودن، باید اتکای خود و دیگری را نسبت به هم محدود به اتکای تکوینی بدانیم و آن را جایگزین اتکای وجودی نسازیم. در این صورت، ارتباط با دیگری تمام حقیقت آدمی را دربر نخواهد گرفت.^{۴۱} اندیشه اسلام در رفع این معضل و توجه به هویت «خود»، دعا و نیایش و ارتباط با خدای متعال است. همین نکته سبب شده انبیا و اولیای الهی در بحبوحه ارتباط با جامعه و تلاش برای اصلاح آن، اوقاتی از روز خود را به مناجات با خدا بپردازند؛ چنان که در توصیف یاران امام زمان علیه السلام نیز آمده است که شب‌ها نمی‌خوابند و در حالت عبادت، زمزمه‌هایی مثل صدای زنبور دارند؛ تمام شب را به عبادت مشغولند و روزها سواره به دشمن حمله می‌کنند.^{۴۲}

اساساً عبادات و مناجات همواره در فرهنگ ناب اسلامی و مهدوی یکی از برنامه‌های حتمی روزانه شیعیان را تشکیل می‌دهد و معصومین علیهم‌السلام توصیه کرده‌اند اختصاص ساعتی برای مناجات با خدا بخشی از زندگی روزمره شیعیان باشد.^{۴۳} افزون بر این، برای بانوانی که قصد ورود به جامعه و فعالیت‌های اجتماعی را دارند و می‌خواهند از فضیلت عبادت‌های اجتماعی اسلام نیز بهره ببرند، پرداختن به راز و نیاز با خدای متعال به منظور خودسازی، پیش از جامعه‌سازی، بسیار بااهمیت خواهد بود؛ زیرا هدف نهایی خلقت و تشکیل حکومت جهانی مهدوی، عبادت و عبودیت پروردگار در سطح جامعه است.^{۴۴} و هرگونه تلاش در اجتماع، باید برای تحقق این آرمان مقدس صورت گیرد. این امر می‌تواند که فرد با خداوند سبحان ارتباطی وثیق داشته باشد.

نکته دیگری که لزوم چنین مسئله‌ای را برای همگان و به‌ویژه زنان منتظر حتمی می‌کند، سفارش حضرت ولی عصر علیه‌السلام به دعا برای فرج است؛ ایشان می‌فرماید:

اَكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ.^{۴۵}

این سخن شریف، لزوم ارتباط هر شیعه و از جمله زن منتظر را با خداوند و درخواست تعجیل فرج امام زمان علیه‌السلام را به روشنی اثبات می‌کند. بنابراین یکی از لوازم حتمی برای تربیت اجتماعی و سپس حضور منطقی و هدفمند بانوان منتظر در اجتماع، توجه به ارتباط با پروردگار هستی و مناجات با اوست.

چگونگی حضور اجتماعی زن منتظر

با توجه به آفات و برداشته‌های نادرستی که دربارهٔ اجتماعی بودن بانوان گفته شد، اسلام و فرهنگ مهدوی به گونه‌ای این مسئله را تصویر و تبیین نموده که «حضور در جمع»، «ارتباط با جمع» و «تأثیر بر جمع» بانوان، به ترتیب از «خودباختگی»، «خودبیگانگی» و «خودخواهی» آنان که به سبب توجه افراطی به مقولهٔ «دیگران»، «ارتباط» و «خود» به وجود می‌آید، پاک و منزّه شود و با تربیت توحیدی به «خودباوری»، «خودآگاهی» و «خودخواهی» مزین گردد.

در تصویری که آیین جامع اسلام از حضور زن در اجتماع ارائه داده، هیچ‌یک از مؤلفه‌های «خود»، «دیگران» و «ارتباط»، مورد اجحاف، ظلم و بی‌مهری واقع نشده است؛ چرا که این تعادل با محور قرار دادن «الله» و بر پایهٔ آموزه‌های محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ایجاد شده است. در این صورت یک بانوی منتظر، از حیث روحی، فکری و عاطفی به وسعتی خواهد رسید که ضمن شناخت قدر و منزلت خویش، از محدودهٔ امیال فردی فراتر رفته و به جای توجه انحصاری به منافع خود، در اندیشهٔ نوع انسانی باشد و

خود را با آن پیوند زند و از همه مهم‌تر، این امور را به نیت تقرب به خدای متعال و جلب رضای او به انجام رساند. چنین فردی در عین این‌که با کسب فضایل فردی به حفظ کرامت خویش می‌اندیشد، در حوزه اجتماع نیز به انجام وظایفی که دین بر اساس استعدادهایش تعریف کرده، مشغول می‌شود و با ایثار و احسان و شفقت و سایر فضایل اخلاق اجتماعی، به همدلی و همکاری با انسان‌های دیگر، حول امام مهدی عج و در سایه‌سار ولایت ایشان نایل می‌گردد.

زن؛ حضور اجتماعی یا ظهور اجتماعی

بارها گفته شده که نوع تلقی زن از فعالیت اجتماعی برای حضور وی در جامعه بسیار مهم است. برخی از بانوان چنین تصور می‌کنند که برای تحقق حضور و رشد اجتماعی باید در جامعه دیده شده و ظهور جسمی داشته باشد، در حالی که بر اساس آموزه‌های دین، حضور اجتماعی به تأثیرگذاری مفید بر جامعه و انجام مسئولیت در قبال جامعه اسلامی تفسیر می‌شود. در این صورت برای تأثیرگذاری بر جامعه، نیازی به حضور فیزیکی و رفت و آمد در خیابان‌ها و معابر نیست، بلکه آگاهی از وضعیت جامعه و نیازهای آن و تلاش برای رشد و پویایی جامعه اسلامی در حد توانایی، در برداشت درست از «اجتماعی بودن» نهفته است. با چنین نگاهی است که سخن برترین و کامل‌ترین زن تاریخ بشریت، یعنی حضرت فاطمه ع درک می‌شود که وقتی از ایشان پرسیدند: بهترین حالت برای زنان چیست؟ فرمود:

بهترین حالت برای زنان آن است که مردان را نبینند و مردان نیز آنان را نبینند.^{۴۶}

البته ممکن است گاهی حضور فیزیکی ضروری باشد، چنان‌که در مقطعی از زندگی حضرت زهرا ع چنین مسئله‌ای اتفاق افتاد.

مدیریت پنهانی و تربیت نیروی انسانی، اساس تربیت و فعالیت اجتماعی زن منتظر

توجه به مفهوم صحیح اجتماعی بودن، سبب می‌شود بهتر به جایگاه راهبردهای اسلامی برای حضور حقیقی و مثبت بانوان در جامعه پی برده و به این حقیقت دست یابیم که فعالیت اجتماعی زنان در اسلام غالباً از جنس مدیریت پنهان و تربیت انسان برای تعالی جامعه اسلامی و منتظر امام زمان ع است و این مسئولیت، از میان تکالیف اجتماعی منتظران، از مهم‌ترین وظایف، بلکه «جهاد» به شمار می‌رود؛ زیرا بر اساس آن‌چه گفته شد، تربیت نیروهای کارآمد و آمادگی جامعه برای پذیرش حکومت و ولایت مهدوی، از مهم‌ترین شرایط مردمی برای ظهور حضرت ولی عصر ع است و

تحقق چنین نیروها و جامعه‌ای با توجه به توانایی‌ها و استعدادهای بانوان، تا حد بالایی تنها از عهده آنان برآمده و جهاد ایشان محسوب می‌شود.

با توجه به چنین مسئولیتی است که رسالت همسری و مادری برای بانوان، مورد تأکید ویژه پیشوایان معصوم ما قرار گرفته است، به گونه‌ای که وقتی زنی با تصور ارزش بودن حضور فیزیکی مردانه در اجتماع به خدمت رسول اعظم صلی الله علیه و آله رسید و از کثرت فعالیت‌های اجتماعی مردان مانند حج و جهاد و امثال آن _ که ثواب‌های زیادی در اسلام دارد گله کرد، آن حضرت شوهرداری نیکو و جلب رضایت و موافقت او را معادل با همه این فعالیت‌ها برشمرد.^{۴۷} البته امامان بزرگوار علیهم السلام نیز با تشریح این سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر اهمیت همسرداری زنان تأکید کرده^{۴۸} و به چنین زنی لقب «صالح» عطا نموده‌اند. امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

مَا أَفَادَ عَبْدٌ عَبْدًا خَيْرًا مِنْ زَوْجَةٍ صَالِحَةٍ إِذَا رَأَاهَا سَرَّتَهُ وَإِذَا غَابَ عَنْهَا حَفِظَتْهُ فِي نَفْسِهَا وَ
مَالِهِ؛^{۴۹}

برای بنده خدا چیزی سودمندتر از زن پارسا و شایسته نیست. هر گاه به زوجه‌اش نظر کند خوشحال گردد و هر گاه شوهر به مسافرت رود زن، ناموس و مال او را حفظ کند.

وقتی معصومین علیهم السلام بهترین و صالح‌ترین زن را بانویی می‌دانند که به نیکویی شوهرداری می‌کند، این امر از نگاه عمیق آنان به انسان و جامعه انسانی سرچشمه می‌گیرد و هرگز توجه تک‌بعدی به جنبه فردی زن نیست؛ زیرا آن بزرگواران در عبارات خود، تعبیر جهاد و مبارزه را به کار برده‌اند و معلوم است که این تعبیر در عرصه اجتماعی ظهور و بروز دارد.^{۵۰} البته ممکن است رابطه بین شوهرداری و حضور اجتماعی زن برای برخی ملموس نباشد، اما اگر بدانیم که کارآیی مفید یک مرد در جامعه اسلامی، تا حد زیادی به آرامش و تمرکز او بستگی دارد و این آرامش، در درون خانه و توسط زن تأمین می‌شود،^{۵۱} زنان منتظر با مدیریت پنهان و به صورت غیرمستقیم و با التقای آرامش به شوهران خویش، در دستیابی اهداف اجتماعی جامعه منتظر، نقش بسزایی خواهند داشت.

همچنین علاوه بر همسرداری، مادری و پرورش و تربیت فرزندان نیز یکی دیگر از مسئولیت‌ها و فعالیت‌های مربوط به اجتماع از سوی زنان منتظر به شمار می‌آید؛ چرا که کمبود نیروی انسانی در جامعه اسلامی _ حتی اگر تعداد محدودی نیروی کارآمد نیز مشغول تلاش باشند _ آن را در رسیدن به آرمان‌های خویش ناکام خواهد گذاشت. از این رو تولید و پرورش فرزندان، از جمله ملاک‌های انتخاب زنان به همسری و به عنوان یک ارزش معرفی شده و حتی بر زیبایی آنان ترجیح داده شده است، به گونه‌ای که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

با زن سیاه‌چهره‌ای که بچه‌آور باشد ازدواج کنید، و با زن زیبای عقیم تزویج ننمایید.^{۵۲}

نتیجه

چشم‌انداز تربیت اجتماعی زنان و سپس حضور اجتماعی زن منتظر، از سه منظر ضرورت، ماهیت و کیفیت بررسی شد، به این صورت که ضرورت این حضور با نگاه به لزوم زمینه‌سازی برای ظهور و با توجه به بعد اجتماعی زنان و لزوم به کمال رسیدن این بعد، و ماهیت آن با استفاده از اصول کلی اسلام درباره بانوان و کیفیت حضور آنان با توجه به سه رکن اجتماعی بودن، یعنی خود، دیگری و رابطه، تبیین شد و در نهایت بر مدیریت پنهان و تربیت فرزندان و تأثیر غیرمستقیم بانوان منتظر بر جامعه با ایفای نقش همسری و مادری، تأکید گردید و افق تربیت اجتماعی بانوان منتظر با چنین نگاهی ترسیم شد.

منابع

1. *الإرشاد*، محمد بن محمد بن نعمان مفید، قم، کنگره هزاره شیخ مفید، 1413ق.
2. *الأمالی*، محمد بن حسن طوسی، قم، انتشارات دار الثقافة، 1414ق.
3. *بحار الأنوار*، محمدباقر مجلسی، بیروت، مؤسسه الوفاء، 1404ق.
4. *البلد الأمين*، ابراهیم بن علی عاملی کفعمی، چاپ سنگی، بی تا.
5. *تحف العقول*، حسن بن شعبه حرّانی، قم، انتشارات جامعه مدرسین، 1404ق.
6. *تفسیر العیاشی*، محمد بن مسعود عیاشی، تهران، چاپخانه علمی، 1380ق.
7. *حدیث ولایت*، نرم افزار مجموعه رهنمودهای رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه‌ای، تهران، مؤسسه پژوهشی _ فرهنگی انقلاب اسلامی.
8. *الحیة*، محمدرضا حکیمی، ترجمه: احمد آرام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1380ش.
9. *خورشید مغرب*، محمدرضا حکیمی، قم، انتشارات دلیل ما، 1387ش.
10. *الدر المنتور*، جلال‌الدین سیوطی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، 1404ق.
11. *درآمدی بر نظام تربیتی اسلام*، محمدعلی حاجی ده‌آبادی، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، 1377ش.
12. *درس‌هایی از انقلاب (تقیه)*، علی صفایی حائری، قم، انتشارات لیلۃ القدر، 1388ش.
13. *دعائم الإسلام*، نعمان بن محمد تمیمی، مصر، دارالمعارف، 1385ق.
14. *روابط اجتماعی در اسلام*، سید محمدحسین طباطبایی، قم، انتشارات جامعه مدرسین، 1386ش.
15. «سه مغالطه رایج درباره مفهوم اجتماعی بودن»، خسرو باقری، فصل‌نامه تربیت، تابستان 1374ش.
16. *صحیفه امام*، سید روح الله موسوی خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، چاپ اول، 1378ش.

17. *علل الشرائع*، محمد بن علی بن حسین بن بابویه صدوق، قم، مکتبه الداوری. بی تا.
18. *عیون أخبار الرضا علیه السلام*، محمد بن علی بن حسین بن بابویه صدوق، تهران، انتشارات جهان، 1378 ق.
19. *غرر الحکم و درر الکلم*، عبدالواحد تمیمی آمدی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، 1366 ش.
20. *الغیبة للحجة*، محمد بن حسن طوسی، قم، مؤسسه معارف اسلامی، 1411 ق.
21. *فلسفه تعلیم و تربیت*، گروه نویسندگان، زیر نظر آیت الله محمدتقی مصباح یزدی، تهران، انتشارات مدرسه، 1391 ش.
22. *الکافی*، محمد بن یعقوب کلینی، تهران، دار الکتب الإسلامیة، 1365 ش.
23. *کتاب الغیبة*، محمد بن ابراهیم نعمانی، تهران، مکتبه صدوق، 1397 ق.
24. *کمال الدین و تمام النعمة*، محمد بن علی بن حسین بن بابویه صدوق، قم، دار الکتب الاسلامیه، 1397 ق.
25. *مسند الإمام الرضا*، عزیزالله عطاردی، مشهد، آستان قدس رضوی، 1406 ق.
26. *مصباح المتعجد*، محمد بن حسن طوسی، بیروت، مؤسسه فقه شیعه، 1411 ق.
27. *معانی الأخبار*، محمد بن علی بن حسین بن بابویه صدوق، قم، انتشارات جامعه مدرسین، 1361 ش.
28. *معجم مقاییس اللغة*، زکریا احمد ابن فارس، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، 1404 ق.
29. «نقش مبانی کلامی و قاعده لطف در فهم فقیهان مسائل مربوط به زمینه سازی برای ظهور»، حسن ملایی، فصل نامه علمی _ پژوهشی *مشرق موعود*، ش 15، 1389 ش.
30. *نهج البلاغه*، محمد بن حسین شریف رضی، قم، انتشارات دارالهجره، بی تا.
31. *وسائل الشیعة*، محمد بن حسن حر عاملی، قم، مؤسسه آل البيت علیه السلام، 1409 ق.

پی نوشت‌ها

- ^۱. معجم مقایس اللغة، ذیل ماده «ربو».
- ^۲. فلسفه تعلیم و تربیت، ص 366.
- ^۳. درآمدی بر نظام تربیتی اسلام، ص 115.
- ^۴. «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ». (سوره بقره، آیه 213)
- ^۵. روابط اجتماعی در اسلام، ص 10 - 12.
- ^۶. معانی الأخبار، ص 196.
- ^۷. سوره مائده، آیه 3.
- ^۸. تحف العقول، ص 208.
- ^۹. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 101.
- ^{۱۰}. خورشید مغرب، ص 218-219.
- ^{۱۱}. تحف العقول، ص 255.
- ^{۱۲}. نهج البلاغه، خطبه 34.
- ^{۱۳}. الإرشاد، ج 1، ص 119.
- ^{۱۴}. وسائل الشیعه، ج 16، ص 382.
- ^{۱۵}. برای توضیح بیشتر نک: «نقش مبانی کلامی و قاعده لطف در فهم فقیهانه مسائل مربوط به زمینه‌سازی برای ظهور».
- ^{۱۶}. کتاب الغیبه، ص 285.
- ^{۱۷}. تفسیر العیاشی، ج 1، ص 64.
- ^{۱۸}. صحیفه امام، ج 16، ص 192.
- ^{۱۹}. الکافی، ج 2، ص 163: کسی که صبح کند و به امور مسلمان‌ها همت نگمارد، مسلمان نیست.
- ^{۲۰}. حدیث ولایت، سخنرانی مقام معظم رهبری در تاریخ 1375/12/20.
- ^{۲۱}. کمال الدین و تمام النعمه، ج 2، ص 526.
- ^{۲۲}. الکافی، ج 8، ص 39.
- ^{۲۳}. همان، ص 41.
- ^{۲۴}. همان، ص 38.
- ^{۲۵}. همان، ص 38 - 39.

٢٦. البلد الامين، ص 349.
٢٧. دعائم الإسلام، ج 2، ص 193.
٢٨. الأمانى للطوسى، ص 370.
٢٩. كمال الدين و تمام النعمة، ج 2، ص 371.
٣٠. علل الشرائع، ج 2، ص 467.
٣١. الكافى، ج 2، ص 221.
٣٢. حديث ولايت، سخنرانى مقام معظم رهبرى در تاريخ 1368/11/9.
٣٣. درس هايبى از انقلاب (تقيه)، ص 16.
٣٤. كمال الدين و تمام النعمة، ج 1، ص 331.
٣٥. سورة مائده، آيه 105.
٣٦. الحياه، ج 8، ص 395-396.
٣٧. «أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ» (سورة بقره، آيه 165)
٣٨. «قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ» (سورة توبه، آيه 24)
٣٩. كمال الدين، ج 1، ص 304.
٤٠. غرر الحكم، ص 88.
٤١. «سه مغالطه رايج درباره مفهوم اجتماعى بودن»، ص 88.
٤٢. بحار الانوار، ج 52، ص 307.
٤٣. تحف العقول، ص 409.
٤٤. تفسير العياشى، ج 1، ص 183.
٤٥. الغيبة للحجة، ص 290.
٤٦. وسائل الشيعة، ج 20، ص 67.
٤٧. الدر المنثور، ج 2، ص 153.
٤٨. الكافى، ج 5، ص 324.
٤٩. مسند الإمام الرضا عليه السلام، ج 2، ص 256.
٥٠. امام على عليه السلام فرمود: «كَتَبَ اللَّهُ الْجِهَادَ عَلَى الرَّجَالِ وَالنِّسَاءِ فَجِهَادُ الرَّجُلِ بَدَلُ مَالِهِ وَنَفْسِهِ حَتَّى يُقْتَلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَجِهَادُ الْمَرْأَةِ أَنْ تَصْبِرَ عَلَى مَا تَرَى مِنْ أَدَى زَوْجِهَا وَغَيْرَتِهِ». (الكافى، ج 5، ص 9)
٥١. «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا». (سورة روم، آيه 21)

^{٥٢}. وسائل الشيعة، ج 20، ص 54.